

عاطفه و سیاست در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی

زهرا داورپناه^{*۱}

علی حسینی بیکی^۲

مصطفی رستمی^۳

چکیده

هدف: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۷ و هم‌زمان با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری اظهار شد و به‌صراحت از نخبگان دعوت به تأمل در آن صورت گرفت. به این ترتیب نظر به ویژگی‌های مذکور، دقت به ابعاد مختلف آن ضرورت دارد. علاوه بر این، موضوع نقش عواطف در هدایت سیاسی جامعه، مبحثی است که به‌طور کلی در دانش سیاسی و به‌ویژه در گفتمان سیاسی انقلاب کمتر بررسی شده است. از این‌رو پژوهش درباره مؤلفه‌های روان‌شناختی و عاطفی مطرح‌شده در بیانیه گام دوم، گامی در راستای هر دو ضرورت مذکور است.

روش‌شناسی پژوهش: در پژوهش حاضر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج به‌دست‌آمده شامل هفت مؤلفه خودباوری، امیدواری و خوش‌بینی نسبت به آینده، انگیزه‌مندی، استقلال، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، مسئولیت، عزتمندی بود و کرامت به‌عنوان درون‌مایه اصلی آن شناسایی شد. **نتیجه‌گیری:** با توجه به اهمیت مؤلفه‌های مطرح شده در بیانیه گام دوم در رشد فردی و اجتماعی، شایسته است پژوهش‌های آتی در راستای بررسی عمیق‌تر درون‌مایه‌های کرامت و گفتمان سازی در راستای تحقق آن طرح‌ریزی شود.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوای کیفی، عاطفه، سیاست، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

Email: davarpanah@wrc.ir

۱- عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده
(نویسنده مسئول)

Email: a.beigi7378@gmail.com

۲- کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه
طباطبایی

Email: davoodamini1357@gmail.com

۳- استادیار دانشگاه بوعلی سینا

مقدمه

نسبت احساسات و سیاست از مواردی است که همواره و در همه سنت‌های فکری محل بحث بوده است. جریان غالب تفکر غربی سنتی و تفکر اسلامی با بدبینی یا کم‌اعتنایی به عواطف و احساسات، کوشیده‌اند هر امر مهم و کلان را به عقل نسبت دهند. زیرا در سنت علوم اسلامی و نیز غرب کهن، امتیاز نوع انسانی «عقل» است و عاطفه، وصف مرتبه حیوانی و مشترک با حیوانات لحاظ می‌شود. بدین ترتیب همواره جریان عقل‌گرایی بسیطی بر فضای علوم انسانی غلبه داشته است.

یکی از اقسام این رویکرد در حوزه‌ی سیاست آن است که نظام‌های سیاسی، به‌خصوص اقسام ایدئولوژیک، غالباً از سوی مخالفانشان به تحریک عواطف و ابتنا بر احساسات به‌جای عقل، متهم و به این واسطه تحقیر می‌شده‌اند. با این حال امروزه با گسترش تحقیقات بین‌رشته‌ای، قدرت مطلق عقل و بی‌اهمیتی احساسات به‌جد مورد تردید قرار گرفته است و در عمل نیز شاهد توجه و استفاده همه قدرت‌ها و سیاستمداران حرفه‌ای از عواطف و احساسات بالأخص به‌واسطه ابزارهای جدید رسانه‌ای هستیم. هر چند به قول والزر^۱ در کتاب «سیاست و عاطفه» (۲۰۰۶) هنوز غالباً گفته می‌شود عواطف، حدشناس، غیرقابل مذاکره و عامل خشونت، جنگ، تروریسم و امثالهم‌اند (والزر، ۲۰۰۶: ۱۱۰). شاید بتوان با این شکاکان همراه شد و پذیرفت که فجایع سیاسی غالباً با شوق و عواطف قوی همراه بوده‌اند، ولی تاریخ گواهی می‌دهد که همه رویدادهای باشکوه و پیشرفت‌های افتخارآمیز سیاسی هم با شور و شوق تحقق یافته‌اند و عقلانیت نیز در هر دو به یک میزان ایفای نقش کرده است (همان، ۱۱۸).

به این ترتیب امروزه اندیشمندان بیشتری به نسبت، عواطف و سیاست توجه می‌کنند و آثار ارزشمندی در این زمینه تألیف شده و می‌شود. از آن جمله مارتا نوسبام^۲، فیلسوف لیبرال کتابی با عنوان «احساسات سیاسی: چرا عشق به عدالت مهم است؟» نوشت و در آن به تفصیل به بررسی نسبت سیاست و عواطف پرداخت. به نظر نوسبام یک نظام سیاسی بالنده، که در اندیشه او لیبرال است، باید به تربیت احساسات ملت اهتمام کند. این احساسات می‌توانند به ما کمک کنند که بر منافع شخصی غلبه کنیم و دولت را زنده نگاه داریم؛ به‌خصوص زمانی که تحقق بخشیدن به ارزش‌هایش چالش برانگیز می‌شود، مثلاً زمانی که پاسخ مناسب به بحران پناهجویان، نیازمند از خودگذشتگی مالی و شخصی شهروندانی است که به‌صورت صوری متعهد به برابری هستند. نوسبام بیم آن دارد که در چنین مواقعی احترام نظری به اصول لیبرال، زیر بار شیطان‌های درونی ما، نظیر حرص، خودخواهی و نفرت له شود. پس از مهر و موم‌ها تأکید سنت لیبرالی بر بی‌طرفی و تعقل مصلحت‌اندیشانه، نوسبام می‌گوید دولت بدون عشق شکست می‌خورد، به دلیل این محدودیت که بدون عشق، رنج دیگران تأثیری بر ما ندارد و تعهدات نظری ما بسیار بی‌خاصیت‌تر از آن هستند که لیبرال دموکراسی را حفظ کنند (نوسبام، ۲۰۱۳: ۶).

1. Walzer

2. Martha Nussbaum

علوم انسانی رایج در ایران برخلاف تغییر مسیر علوم انسانی غربی، هم‌چنان بر عقل تمرکز دارد و می‌کوشد با تکیه بر عقل جهان و انسان را بفهمد و اصلاح کند، آن هم معنایی محدود از عقل که درباره نسبت آن با عقل در آیات و روایات، ابهامات فراوانی وجود دارد. این تمرکز بر عقل منجر به رشد نیافتگی در مواجهه با احساسات شده است که تبعات آن در دو زمینه قابل مشاهده است:

- علوم بومی در تعامل با انسان‌های مرکب از عقل و عواطف، ناکار آمدند. مباحث دینی اقتصادی، سیاسی و اخلاقی اسلامی، در درک، تبیین و هدایت عواطف انسان‌ها و زندگی جامعه متوسط و عادی، کارآمد نیستند و بیشتر به کار انسان‌های ممتاز با سطوح بالای عقلی می‌آیند.
- ضعف فوق منجر به مغلوب شدن در نزاع با گفتمان‌هایی می‌شود که درباره مدیریت احساسات، تولید محتوای بیشتری داشته‌اند.

به همین ترتیب دانش سیاسی در ایران و گفتمان انقلاب اسلامی نیز علی‌رغم قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایش در ابعاد مختلف وجود انسان از جمله عواطف مثبت و اصیل؛ هم‌چنان در زمینه احساسات و نسبت آن با سیاست و حاکمیت ساکت است. بیانیه گام دوم از جهت دقت به نقش عواطف در هدایت سیاسی جامعه، در گفتمان سیاسی انقلاب می‌تواند نقطه عطفی به حساب آید که البته ادای حق آن به شکل علمی، مستلزم رسیدگی به جایگاه عقل و احساس در تمامی علوم انسانی بومی از فلسفه تا اخلاق و علم النفس و سیاست و اقتصاد و... است.

البته دعوت انقلابی امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی ایران به تبع تأکید اسلام بر تعقل و تفکر، بر پایه‌ی عقلانیت قرار دارد. ولی «عقل کلی الهی» و «عقلانیت» اسلامی، مفهومی گسترده‌تر از عقل به معنای مدرن و جزئی آن است و چون با معیار وحی و در مرزهای دین تعریف می‌شود، به همه ابعاد حیات انسانی نظر دارد (اسماعیلی و فیروزجاه، ۲۰۱۶: ۶۴). لذا به سبب جایگاه والای عقل در اندیشه اسلامی، رهبران انقلاب اسلامی ایران نیز نسبت به تفکر و تعقل نگاه خاصی داشتند، اما التفات به وجه انگیزشی و احساسی علاوه بر بُعد بینشی و معرفتی از آغاز انقلاب اسلامی ایران و به دلایل مختلف از جمله آرمان‌گرایی آن، در گفتمان رهبران انقلاب موجود بوده است و علاوه بر تأکید بر عقل و برهان، به سایر ابعاد حیات بشری از جمله احساسات اشاره داشته‌اند. تفسیر و تبیین این اشارات، وظیفه محققان است.

در این راستا مقام معظم رهبری می‌گوید:

«معنویت و عدالت با هم ملاحظه می‌شوند. شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند. عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند؛ این‌ها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت که آن هم خارج از شریعت البته نیست در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود» (۸۸/۰۷/۰۲).

«به این ترتیب ما در پی معنایی از عواطف هستیم که نه تنها در زمره نزاع عقل و احساس قرار نمی‌گیرند، بلکه بار و مشوق یکدیگرند؛ اما عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛

عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راههایی برای هر چه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌هاست» (۸۷/۰۶/۱۹).

هر چند بررسی نسبت عواطف و احساسات با سیاست در گفتمان انقلاب اسلامی مستلزم بررسی و پژوهش‌های مفصل است؛ یکی از نقاط مناسب برای آغاز چنین تلاشی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به تألیف رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای است. اهمیت این بیانیه در تحقیق فعلی به دلایل ذیل است:

- بیانیه، مشخصاً «بیانیه» است و به نیت و با خودآگاهی و تعمد در جهت بیان ابعاد از گفتمان انقلاب اسلامی نگارش یافته است. از این‌رو دلالت‌های آن آگاهانه‌تر و جدی‌تر از بیانات دیگر یک رهبر سیاسی می‌تواند تلقی شود. پس هر چند تحلیل سخنان و مکتوبات رهبران انقلاب نیز اهمیت و فواید خاص خود را دارند، تحلیل بیانیه می‌تواند ما را به نتایجی منسجم‌تر و قصدشده هدایت کند.
- بیانیه گام دوم توسط رهبر فعلی جمهوری اسلامی و یکی از مشارکت‌کنندگان مهم در تأسیس نظام اسلامی نوشته شده است.
- بیانیه گام دوم، روایتی خودآگاه از چهل‌ساله گذشته نظام جمهوری اسلامی و مروری کوتاه بر یک تاریخ سیاسی است.
- بیانیه گام دوم می‌کوشد با تکیه بر آرمان‌های انقلاب و مرور مسیر طی شده، برای آینده جمهوری اسلامی، خطوطی کلی ترسیم کند. به بیان دیگر بیانیه گام دوم از نو آرمان انقلاب اسلامی را در آینده تجسم می‌کند و می‌کوشد با خودارزیابی کلی، مسیر باقی‌مانده و لوازم طی آن را تحلیل کند.

نظر به موارد فوق تحلیل بیانیه گام دوم از جهات مختلف می‌تواند نافع باشد و به‌عنوان عرصه تحلیل این پژوهش نیز انتخاب شده است. هدف از تحقیق حاضر آن است که با تحلیل محتوای بیانیه، فهمی آغازین از جایگاه عواطف و احساسات در گفتمان انقلاب اسلامی به‌دست آید.

پیش از ادامه، تعریف عاطفه و احساس ضروری به نظر می‌رسد. ولی متون علم النفس سنتی و نیز روانشناسان متأخر در تعریف عواطف اختلاف نظر دارند؛ برخی عواطف، هیجان‌ها و تمایلات را درهم آمیخته‌اند و برخی مصادیقی متفاوت برای آن ارائه کرده‌اند. برخی عواطف را تغییرات فیزیولوژیکی و رفتارهای سازمان‌یافته می‌دانند که به فرد کمک می‌کنند تا وی بتواند در مواقع لازم به انجام واکنش‌های ضروری مبادرت ورزد. و برخی آنها را کمابیش غیرارادی و واکنشی تلقی می‌کنند (ر.ک علیزاده و شرفی، ۲۰۱۴ و جلالی، ۲۰۰۲). در مقاله حاضر عواطف و احساسات به معنای عرفی و کلی آن و در لسان عامه به‌مثابه امری غیراستدلالی و غیرعقلانی لحاظ شده است، مانند شوق، اندوه، شادی، ترس و... که همه در زبان روزمره، عواطف و احساسات خوانده می‌شوند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر ماهیتاً کیفی و به لحاظ روش‌شناسی از نوع تحلیل محتوا است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روشی تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند،

کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. تحلیل محتوای کیفی به فراسوی کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهای را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید و هدف از آن استنباط و استخراج معنا است (ایمان و نوشادی، ۲۰۰۱: ۲۱؛ مؤمنی‌راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی ۲۰۱۳: ۱۹۴). این رویکرد به نوعی خلاقیت و ابتکار پژوهشگر را در تبدیل داده به یافته، ترغیب می‌کند و باگریز از چهارچوب و فرمول‌های از پیش تعیین شده همراه است (قائدی و گلشنی، ۲۰۱۶: ۷۰). با این حال گام‌های زیر به منظور تحلیل محتوای کیفی توسط محققان پیشنهاد شده است: (۱) انتخاب متن مورد نظر و یا پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام‌شده؛ (۲) استخراج واحدهای معنایی و دسته‌بندی نمودن آنها تحت عنوان واحدهای فشرده؛ (۳) خلاصه و دسته‌بندی واحدهای فشرده و انتخاب برجستگی مناسب برای آنها؛ (۴) مرتب نمودن زیردسته‌ها بر اساس مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در زیردسته‌ها؛ و (۵) انتخاب عنوان مناسبی که قابلیت پوشش دسته‌های حاصل شده را دارا باشد (Lundman & Graneheim, 2004).

روش تحلیل محتوای کیفی حاضر، راهبرد تحلیل محتوای عرفی یا قراردادی بود. داده‌های کیفی از خلال بیانیه مقام معظم رهبری در خصوص گام دوم انقلاب گردآوری شد. بدین صورت که داده‌ها با استفاده از بیانیه گام دوم انقلاب استخراج شد و سپس تحلیل محتوا صورت گرفت و عوامل عاطفی که می‌بایست به منظور ایجاد تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری به آنها توجه شود، مورد بررسی قرار گرفت. متون استخراج شده در چندین نوبت بازبینی شدند، واحدهای معنایی استخراج گردید و کدگذاری اولیه‌ی داده‌ها انجام شد. سپس مفاهیم استخراج شده بر اساس اشتراک معنایی‌شان تحت عنوان مفهوم گسترده‌تری مقوله‌بندی شدند و نهایتاً مقوله هسته‌ای که تمام مفاهیم موجود را به یکدیگر متصل می‌کند، کشف و ارائه شد.

یافته‌ها

در بررسی بیانیه مقام معظم رهبری در خصوص گام دوم انقلاب، ۱۱۲ واحد معنایی استخراج شد. در روند تحلیل داده‌ها و استخراج مفاهیم (یا زیرطبقه)، مؤلفه (یا طبقه) و ابعاد (یا درون‌مایه)؛ تعداد ۷۳ مفهوم، ۷ مؤلفه و ۱ درون‌مایه استخراج شد. درون‌مایه استخراج شده شامل کرامت، با هفت مؤلفه خودباوری، امیدواری و خوش‌بینی نسبت به آینده، ایجاد انگیزه، استقلال، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، مسئولیت، عزتمندی بود که در جدول شماره یک توضیح آن آمده است.

این مؤلفه‌ها در دانش روان‌شناسی مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌اند و ذکر آنها در بیانیه‌ای سیاسی و در آستانه مرحله بلوغ یک نظام سیاسی می‌تواند ابعادی را مطرح کند که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جدول ۱: مؤلفه‌های استخراج شده از بیانیه گام دوم انقلاب

کرامت	امیدواری و خوش‌بینی نسبت به آینده	وجود همه راه‌حل‌ها در کشور، وجود استعداد علم و تحقیق در کشور، لزوم شناخت حیات‌بخش بودن انقلاب، فعال و پیشرو بودن نظام، رو به رشد بودن انقلاب اسلامی، توجه به پیشرفت‌ها، شگفت‌انگیز بودن پیشرفت‌های داخل، امید صادق و متکی به تجربیات عینی، دوری از امیدکاذب و فریبنده، پرهیز از نومییدی بیجا و ترس کاذب، مایوس سازی مردم و مدیران؛ سیاست رسانه‌های دشمن، ناامیدی زدایی؛ ریشه‌ای‌ترین جهاد
	آرمان‌گرایی واقع بینانه	ایجاد تمدن نوین اسلامی، زمینه‌سازی برای ظهور، الگوسازی نظام پیشرفته جمهوری اسلامی، حفظ آرمان‌ها، وفاداری به آرمان‌ها، صیانت از شعارها و کرامت خویش، ابدی بودن شعارهای انقلاب
	خودباوری	وجود همه راه‌حل‌ها در کشور، وجود استعداد علم و تحقیق در کشور، لزوم شناخت ارزش‌های خود، محترم و مورد تکریم بودن جوان ایرانی، اتکا به توانایی‌های داخلی، میدان دادن به جوانان، توجه به اراده ملی، توجه به اصل ما می‌توانیم، ساخت آفرینی جدید، توجه به پیشرفت‌های علمی و فرهنگی، برخورداری از اعتمادبه‌نفس، دامنه عمل جهانی، زنده‌بودن انقلاب اسلامی
	انگیزه مندی	انقلاب اسلامی قطب جدید در جهان، انقلاب اسلامی به‌عنوان جبهه اسلام، نقطه امید ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان، جوشش انقلابی در عین نظم سیاسی، تأکید بر راهی که باقی‌مانده، اشاره به شکاف موجود و تشویق به کم کردن فاصله، عقب بودن از قله‌ها و آرمان‌ها و لزوم فتح آنها، لزوم توجه به رویش‌ها به‌جای ریزش‌ها.
	عزت‌مندی	عزت، حکمت و مصلحت، حضور قدرتمند در منطقه، تحرک بیداری اسلامی، آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان، حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه، واپس راندن متجاوزان، تسلیم‌ناپذیری، کشوری مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته، مطمئن
	مسئولیت	لزوم مسئولیت‌پذیری، لزوم عبرت‌گیری، تعالی جایگاه و تعالی اثرگذاری، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی، تعبیر مسئولیت‌پذیری در علم به‌عنوان جهاد، نیروی انسانی مؤمن و کارآمد
	استقلال	استقلال، پابندی به اصول خود، مرزبندی و حساسیت نسبت به آن، مدیریت جهادی، مردم‌سالاری، حفظ امنیت و تمامیت ارضی ایران، ایستادگی در برابر مستکبران، صیانت از انقلاب، دانش و اقتصاد قوی، عامل استقلال

امیدواری و خوش‌بینی نسبت به آینده

امید و امیدواری یکی از مقوله‌هایی است که مورد توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه روانشناسی و به‌طور خاص روانشناسی مثبت‌نگر^۱ قرار گرفته است. روانشناسی مثبت‌نگر رویکردی نوین در روان‌شناسی است که بر فهم و تشریح ابعاد مثبت انسانی از جمله توانمندی‌ها، شایستگی‌ها و داشته‌های انسان تأکید کرده و بر این عقیده است که هدف روان‌شناسی باید بهبود و ارتقای سطح زندگی انسان و شکوفا کردن استعدادها و توانمندی‌های به ودیعه نهاده شده در درون انسان باشد. بر این اساس، روان‌شناسان مثبت‌گرا به جنبه‌های مثبت روانی انسان، نظیر، شادکامی، خلاقیت، هوش هیجانی، خردمندی، خودآگاهی، مثبت اندیشی، خوش‌بینی، امیدواری و مانند آن پرداخته و سعی دارند تا با روش‌ها و نگاه علمی، حضور مؤلفه‌های مثبت را در ابعاد گوناگون زندگی انسان پررنگ‌تر سازند (سلیگمن^۲ و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۳۲).

در یکی دو دهه اخیر، میان روانشناسان غربی و دانشمندان علوم انسانی، مثبت‌اندیشی و داشتن نگرشی امیدوارانه نسبت به زندگی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در عرصه شناخت انسان و ارتقای بهزیستی وی مورد توجه و مذاقه‌ی علمی قرار گرفته است و امیدواری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازه‌های روانشناسی مثبت‌نگر مطرح می‌شود (دیو، برناردو و یئونگ^۳، ۲۰۱۵).

امید یک سازه شناختی - انگیزشی است که با عناصری از اهداف، روش‌ها یا راهبردها و انگیزش‌ها ارتباط متقابل دارد و از شناخت‌های افراد درباره انتظارات و توانایی رسیدن به اهداف مهم در زندگی تأثیر می‌پذیرد. امید شامل انتظار فرد از دست‌یافتنی بودن اهداف است، اگر چه شامل شناخت فرد از قصد و تعهد رسیدن به اهداف، نقشه‌ها و راهبردهای رسیدن به هدف نیز می‌شود (نجاتی، کمری و شهیدی، ۲۰۱۷). نظریه امیدواری مبتنی بر این فرض است که اعمال انسان هدفمند است. در این نظریه، امیدواری به‌عنوان تفکر هدفمندی تعریف می‌شود که در آن افراد درک می‌کنند که می‌توانند مسیر و جهت دست‌یابی به اهداف (گذرگاه‌ها) و انگیزش لازم گذر از آنها را ایجاد کنند (عاملیت و یا نظام عامل) (بهشتی، خاری آرانی، اکبرزاده آرانی، ۲۰۱۰: ۱۶۱).

امیدواری با گذشته، حال و آینده مرتبط است. عملکرد سالم روان‌شناختی، ناشی از تعادل بین جهت‌گیری نسبت به گذشته، حال و آینده است. این تعادل می‌تواند بازتابی از توانایی‌های فرد برای یادگیری از زمان گذشته، سازگاری در زمان حال و آمادگی و توانایی درگیر شدن با رفتارهای جهت‌دار برای زمان آینده باشد. گذشته مثبت، حال لذت‌گرا و آینده در فرد سالم به ترتیب بالاترین سطوح و گذشته منفی و حال جبرگرا در پایین‌ترین سطح قرار دارد (نیک‌زبان و رشید، ۲۰۱۸). مطالعات نشان می‌دهد که بین خوش‌بینی، امید و سلامت، همبستگی معناداری وجود دارد. خوش‌بینی و امید، سلامت جسمی و روانی را - آن‌گونه که با انواع شاخص‌ها، از جمله سلامت در خود گزارشی، پاسخ مثبت به مداخله‌های پزشکی، سلامت ذهنی، خلق مثبت،

1. Positive psychology
2. Seligman
3. Du H, Bernardo & Yeung

نیرومندی ایمن شناختی، کنار آمدن مؤثر، ارزیابی مجدد، حل مسئله، اجتناب از رویدادهای استرس‌زای زندگی، جستجوی حمایت اجتماعی و رفتار ارتقا دهنده سلامت مشخص شده‌اند - پیش‌بینی می‌کند (کار^۱)، ۲۰۰۶: ۱۲۵).

مفهوم خوش‌بینی نیز یکی دیگر از مفاهیمی است که در حوزه روان‌شناسی مثبت مطرح است. خوش‌بینی به معنای داشتن انتظارات مثبت برای نتایج و پیامدهاست که این پیامدها به‌عنوان عوامل ثابت، کلی و درونی در نظر گرفته می‌شوند. در رویکرد اسلامی نسبت به خوش‌بینی نیز شاهد سه عنصر توجه مثبت، تبیین خوش‌بینانه و مثبت از پدیده‌ها و انتظار مثبت هستیم. در واقع از آنجا که خوش‌بینان از حوادث و پدیده‌های پیرامونی تبیین مثبت دارند، مشکلات را موقتی و قابل حل در نظر گرفته، اطراف آن حصار کشیده و به سایر جنبه‌های زندگی سرایت نمی‌دهند، از این‌رو، هیچ‌گاه خود را در برابر رویدادهای ناخوشایند زندگی نباخته و احساس تهدید نمی‌کنند. طبق آموزه‌های دینی، پایان‌پذیری و قابل‌حل بودن سختی‌ها و مشکلات از اصول مسلم و قطعی زندگی دنیوی است. خوش‌بینان، برخی از سختی‌ها و مشکلات را از ناحیه خداوند متعال دانسته و به جنبه آزمایشی بودن آن تأکید دارند و پاره‌ای از مشکلات را برای توانمندسازی خود در نظر گرفته و برخی از مشکلات و سختی‌ها را اثر وضعی رفتارهای خود قلمداد می‌کنند، از این‌رو، با صبر، توکل و استغفار به جنگ مشکلات رفته و هیچ‌گاه احساس درماندگی و ناامنی روانی نمی‌کنند (حسنی، احمدی و میردریکوندی، ۲۰۱۱).

افراد خوش‌بین از نظر خود ارزشمندی، تسلط بر خود و حرمت خود وضعیتی بهتر از دیگران دارند. ریشه این تحلیل از خوش‌بینی، به نظریه انتظار ارزش برمی‌گردد. براساس این نظریه، فرد زمانی موفق می‌شود که هدف در نظرش ارزش داشته باشد و فرد انتظار رسیدن به هدف را داشته باشد. این انتظار زمانی در فرد وجود دارد که توانمندی را در خود احساس کند و به نیروهای درونی و راه‌های رسیدن به هدف نگاه مثبت داشته باشد. فرایندهای گوناگونی در تبیین سبک خوش‌بینی یا بدبینی نقش دارند که یکی از آنها فرایند فراشناختی و یکی از مهم‌ترین فرایندهای فراشناختی، توجه است که به‌واسطه آن فرد خوش‌بین توجهش به‌سوی امور مثبت است، از قبیل زیبایی‌های جهان، استعدادها و موفقیت‌های خود، جنبه‌های مثبت دیگران و همکاری‌های معنوی. اما توجه افراد بدبین به‌سوی امور منفی متمرکز است. در نتیجه، نسبت به آینده انتظار منفی دارند. همین توجه می‌تواند اضطراب افراد را کاهش یا افزایش دهد (نوری و جان بزرگی، ۲۰۱۳). خوش‌بینی و حالت عاطفی مثبت می‌تواند باعث سلامت روان و بهبود وضعیت روانی و حتی جسمانی افراد شود. همچنین باعث می‌شود افراد اعتقاداتی پیدا کنند که باعث توانایی شخصی شده و از بافت اجتماعی و محیط، ارزیابی‌های مثبتی داشته باشند و در نتیجه انتظار نتایج مثبت را خواهند داشت. این موجب قوی شدن افراد در مقابل شرایط ناگوار می‌شود (شریفی و سعیدی، ۲۰۱۵).

موارد ذکر شده از دو جهت جایگاه بحث امید در بیانیه را تقویت می‌کنند:

- نخست این که انقلاب اسلامی، ایده‌ای برآمده از دین اسلام است. پیش فرض ورود به آستانه اسلام (و دین) آن است که امکان سعادت برای انسان وجود دارد؛ وگرنه در صورتی که افق حیات انسان تاریک یا از قبل متعین باشد، دین‌داری بی‌معنا خواهد بود. پس معنای ضمنی التزام به دین، نوعی خوش‌بینی و امید به امکان سعادت است.

- در این بستر دینی، انقلاب اسلامی حرکتی از جنس سیاست ولی با همان هدف وصول به سعادت است. به این ترتیب امید به تحقق جامعه و حاکمیتی که احتمال سعادت را بیشینه می‌کند، در فهم انقلاب اسلامی و تعیین مسیر آینده آن، اهمیت جدی دارد. به بیان ساده‌تر اگر امید و خوش‌بینی در این اندیشه سیاسی مورد غفلت قرار گیرد، ذات دینی و معنای کلان آن از دست خواهد رفت.

در بیانات مقام معظم رهبری از امیدواری و نگاه خوش‌بینانه به «کلید اساسی همه قفل‌ها» و از ناامیدی زدایی به‌عنوان «نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد» تعبیر شده است. همچنین از ظرایف مباحث مطرح شده در مقوله امیدواری، مبتنی بر صدق بودن و لزوم توجه بیشتر به رویش‌ها به‌جای ریزش‌های انقلاب اسلامی است: «اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است... در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است.»

در ادبیات قرآنی نیز اعتقاد به توحید و وحدت معبود، که به‌صورت فطری در نهاد تمامی انسان‌هاست، اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئله در ایجاد امید در آدمی در نظر گرفته شده است و امید واقعی و حقیقی، امیدی است که همواره خداوند، وجود او و حاضر و ناظر بودن او را به اندیشه آدمی القا نماید؛ چرا که خداوند، رب و مالکی است که امر مملوک خود را تدبیر می‌کند و مملوکیت انسان زمانی به بهترین وجه نمایان است که عبد، خویش را حاضر و ناظر در برابر مالک و مدبر خود بداند. ایمان به خداوند و اعتقاد به وحدت معبود و او را هدف اساسی زندگی خویش قرار دادن، نقشی بس بنیادین در امیدسازی حقیقی در درون آدمی و در نهایت سعادت آفرینی او دارد. به همین دلیل از منظر آیات روح بخش الهی، امید حقیقی و راستین، همواره در ارتباط با الله است؛ چرا که هیچ مفهوم مهمی جدای از خدا، در قرآن وجود ندارد (پرچم و محققیان، ۲۰۱۱: ۹۷).

آرمان‌گرایی واقع‌بینانه

آنچه انرژی لازم برای پیشبرد فعالیت‌ها و تعقیب اهدافمان را تأمین می‌کند، هدفمندی و برخوردارگی از آرمان‌هایی است که افق حرکتی ما را ترسیم نموده و فعالیت‌های لازم برای نیل بدان‌ها را مشخص کند. برخوردارگی از آرمان و هدفمندی زندگی باعث می‌شود فرد، احساس کارآمدی و کنترل و خود ارزشمندی در زندگی کند و در رویارویی با ناکامی‌ها، تعارض‌های زندگی و حتی رویدادهای مثبت، به تلاش ادامه دهند. رفتارهای هدفمند از طریق ثبات در رفتار و اصرار بر هدف تقویت می‌شوند. این عوامل باعث ایجاد شادکامی

و همچنین عواطف مثبت شده و بهزیستی فرد را به دنبال دارد. آنچه که معیار کارآمد بودن یا ناکارآمد بودن یک آرمان را مشخص می‌کند، مبتنی بر واقعیت بودن یا نبودن آن است (شریفی و سعیدی، ۲۰۱۵). در بیانیه گام دوم انقلاب بسیار به این مسئله توجه شده است و هم در شعارها و اهداف و هم در بیان دستاوردها واقع‌بینی در بافت متن مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر نوعی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه که شاخصه کلیدی تفکر رهبر معظم انقلاب است بر متن سایه افکنده است. در این زمینه ایشان می‌فرمایند «بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد. اما این فاصله طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده با حضور نسل جوان مؤمن، دانا و پرانگیزه با قوت بیشتر طی خواهد شد».

خودباوری

مفهوم خودباوری، پیوند نزدیکی با مقوله‌های خودکارآمدی و منبع کنترل درونی در روانشناسی شناختی اجتماعی دارد. خودکارآمدی، یک منبع شخصی کلیدی در تحول سازش یافتگی و تغییر شخصی است. و منظور از آن داوری و قضاوت‌های فاعلی شخص درباره قابلیت‌ها و توانایی‌هایش برای سازمان‌دهی و اجرای دوره‌های عمل موردنیاز برای مدیریت موقعیت‌های مؤثر بر زندگی‌اش می‌باشد (بندورا، ۱۹۷۷: ۱۹۸) و این موضوع بر این که افراد چگونه فکر می‌کنند (خودارزنده‌سازی یا تحقیرگری)، در رویارویی با مشکلات چگونه برانگیخته شده و پشتکار نشان می‌دهند، کیفیت سلامت هیجانی و آسیب‌پذیری‌شان در مقابله با افسردگی و تنیدگی چگونه است و در یک موقعیت حساس چگونه بهترین تصمیم را انتخاب می‌کنند، تأثیر می‌گذارد (کولیوند و همکاران، ۲۰۱۴).

نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی، خودکارآمدی را به‌عنوان نوعی خودباوری و ایمان به توانایی‌های خود در خصوص انجام تکالیف در نظر می‌گیرند. از این رو شامل طیف گسترده‌ای از انتخاب، تعهد، تلاش، پشتکار، یادگیری و پیشرفت می‌شود (بندورا، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۹).

خودکارآمدی درک شده بر میزان تلاش برای انجام یک وظیفه اثر می‌گذارد. افرادی که به کارآمدی خود باور دارند برای غلبه بر موانع و مشکلات تلاش‌های مضاعفی می‌کنند. در مقابل افرادی که به شایستگی‌های خود شک می‌کنند و یا باور کارآمدی ضعیفی دارند، هنگام رویارویی با مشکلات، موانع و شکست‌ها تلاش کمی می‌کنند و یا منصرف می‌شوند و یا اینکه راه‌حل‌های پایین‌تر از حد معمول ارائه می‌دهند و این افراد علت شکست را به ناتوانی خویش نسبت می‌دهند. لذا توجه آنان به‌جای حل مسئله، متمرکز بر فقدان شایستگی خود است. ولی افراد با کارآمدی بالا علت شکست را تلاش و کوشش کم می‌دانند. افراد کارآمد در مواجهه با رویدادهای دشوار، استقامت و پشتکار زیادی به خرج می‌دهند و از منابع

مختلف فردی و محیطی بازخوردهای مثبت می‌گیرند که آن بازخوردها به نوبه خود به‌عنوان تقویت‌کننده یا قدرت‌دهنده به خودکارآمدی عمل می‌کنند (هوانگ^۱، ۲۰۱۶؛ عبدالهی، ۲۰۰۶ به نقل از بندورا، ۱۹۹۷).

شیوه دیگر عامل بودن انسان، کارایی جمعی^۲ است. در قیاس با خودکارآمدی، باورهای کارآمدی جمعی با تکالیف گروهی، تلاش‌ها و افکار مشترک اعضای گروه و پیشرفت گروهی مرتبط است. بندورا کارایی جمعی را به این صورت تعریف کرد: «اعتقاد مشترک افراد به نیروی جمعی‌شان برای به‌بارآوردن نتیجه مطلوب» به‌عبارت دیگر، کارایی جمعی عبارت است از اطمینان افراد از این‌که تلاش‌های مشترک آنها تغییرات اجتماعی به بار خواهد آورد. کارایی جمعی، از کارایی شخصی افرادی که باهم کار می‌کنند ناشی می‌شود. با این حال، کارایی جمعی یک گروه نه تنها به آگاهی و مهارت تک‌تک اعضای آن بستگی دارد، بلکه اعتقاد آنها به این‌که می‌توانند به‌صورت هماهنگ و تعاملی با یکدیگر کار کنند نیز به این نوع کارایی وابسته است (فیست و فیست^۳، ۲۰۱۱: ۳۷۵).

یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با خودباوری که در نظریه یادگیری اجتماعی راتر^۴ مطرح است، منبع کنترل یا مکان کنترل است. این مفهوم دارای دو بُعد کنترل درونی و بیرونی است. با فرضیات راتر افرادی که دارای کنترل بیرونی هستند دارای ادراک مثبت یا منفی از حوادث و رویدادهایی هستند که ارتباطی به رفتار فرد ندارد و وراى کنترل فردی است. راتر این افراد را معتقد به شانس یا بیرونی می‌نامد. در مقابل، کنترل درونی نتیجه‌ای از ادراک مثبت یا منفی از رویدادهای تحت کنترل فرد است. افرادی که در این بُعد قرار می‌گیرند معتقد به خودمختاری بوده، خود را حاکم بر سرنوشت خود می‌دانند و کنترل زندگی خود را از درون خود می‌پندارند. راتر این افراد را معتقد به مهارت یا درونی می‌خواند. کنترل یعنی توان هدایت یا اعمال قدرت یا بازدارى رفتار خود یا دیگران. احساس کنترل داشتن احساس مطلوبی است که در بهداشت روانی فرد نقش مهمی بازی می‌کند. به‌عبارت‌دیگر منبع کنترل درونی به این معناست که تقویت و تنبیه‌هایی که شخص دریافت می‌کند، حاصل تلاش و تدابیر شخص هستند. منبع کنترل بیرونی به این معناست که تقویت شخص به سبب نیروهای بیرونی و برای کنترل او می‌باشد. در واقع اصطلاح منبع کنترل به ادراکی گفته می‌شود که ما از علیت رفتار خود داریم (خدایاری، ۲۰۰۵: ۱۴۲).

با توجه به مباحث فوق، خودباوری و مفاهیم همبسته آن جایگاه مهمی در ایجاد و ادامه انقلاب اسلامی داشته‌اند. زیرا یکی از محرک‌های انقلاب اسلامی را می‌توان مبارزه با خودکم‌بینی و خودتحقیری غالب در ذهن و زبان نخبگان ایرانی و به‌طور کلی مسلمان در دو قرن اخیر دانست. انقلاب اسلامی از این حیث مشابه برخی دیگر از تحریکات متأخر جوامع شرقی و اسلامی برای غلبه بر تحقیر شدید و فراگیر انسان شرقی، مسلمان و ایرانی از سوی غرب و خود‌غرب‌زده بود. این خودباوری منجر به یکی از مهم‌ترین خیزش‌های دوران معاصر شد که الهام‌بخش جنبش‌ها و تغییرات فراوانی در جوامع مشابه بود. علی‌رغم

1. Huang
2. collective efficacy
3. Feist ,J & Feist ,G
4. Rotter

دشواری‌های عینی، با منشأهای داخلی و خارجی یکی از دلایل استمرار این حرکت، همین خوش‌بینی و احساس کارآمدی و باور به امکان تغییر بوده است، احساسی که می‌توان به یک معنا آن را نقطه تمرکز بسیاری از منازعات سیاسی «در» و «درباره» جمهوری اسلامی تلقی کرد، «در جمهوری اسلامی» یعنی نقطه امتیاز بسیاری از جریان‌ها و کنش‌های سیاسی درون گفتمان انقلاب، درجه خودباوری ایشان و التزام به آن است. هم‌چنین بسیاری از منازعات مخالفان و موافقان انقلاب اسلامی را نیز می‌توان به دعوا بر سر ارزیابی ایشان از صحت و سقم این باور تاویل کرد. موافقان معتقدند که جمهوری اسلامی خودباوری واقع‌گرایانه‌ای دارد و مخالفان یا واقعاً معتقدند و یا مغرضانه می‌کوشند این احساس کارآمدی را نقض کنند. باید توجه داشت که ارزیابی و بازاندیشی درباره کارآمدی جمهوری اسلامی، صرفاً با سنجش واقعیت‌ها رخ نمی‌دهد. بلکه در عین توجه به عملکرد و نتایج واقعی باید دانست خودباوری و احساس کارآمدی، یک پیشگویی خود تحقق بخش است که صرف نظر از آن منجر به بهبود عملکرد نمی‌شود. این توجه به‌ویژه برای نسل جدیدی که هم تحقیر و بدبینی قبل از انقلاب را تجربه نکرده‌اند و هم در عین بالیدن در بستر نظام اسلامی، آماج حمله‌های پیچیده و پنهان تحقیر و بدبینی‌اند، اهمیت مضاعف دارد.

انگیزه‌مندی

انگیزش، یک مفهوم وسیع است. این مفهوم چندین واژه دیگر را در برمی‌گیرد که توصیف‌کننده عوامل مؤثر در انرژی و هدایت رفتار ما است نظیر: نیازها، علایق، ارزش‌ها، گرایش‌ها، اشتیاق‌ها و مشوق‌ها (خوی‌نژاد و همکاران، ۱۹۹۵). روان‌شناسان معتقدند، مسائل اساسی که در روان‌شناسی انگیزش مطرح می‌شود، عبارت‌اند از این‌که: چرا رفتار خاصی پدید می‌آید؟ چرا رفتار هدف‌دار است؟ چرا رفتار معینی برای مدت‌زمانی طولانی ادامه می‌یابد؟ (رضانی، ۲۰۰۰). رفتار دارای انگیزه، رفتاری همراه با انرژی، جهت‌دار و دنباله‌دار است (سانتروک، ۲۰۰۶: ۲۴۶).

نظریه‌های مختلفی در باب انگیزش سخن گفته‌اند که عبارت‌اند از: نظریه سائق، نظریه نیازها، نظریه انتظار - نقش، نظریه انسان‌گرایانه، نظریه رفتاری، نظریه اسناد، نظریه برانگیختگی و نظریه شناختی و کارآمدی شخصی. در نظریه‌های شناختی انگیزش، بر فرآیندهای تفکر که در انگیزش فرد دخیل هستند، تأکید می‌شود. مفهوم کارآمدی شخصی به‌وسیله آلبرت بندورا مطرح شد و آن بخش از «خود» را توصیف می‌کند که به‌طور مشخص با ارزیابی و برآورد ما از اثربخشی شخصی‌مان ارتباط دارد.

بندورا (۱۹۹۶-۱۹۸۶) سه شرط درونی را در خودگردانی مشخص کرده است: ۱- خودنگری؛

۲- فرایندهای داوری؛ ۳- واکنش به خود.

۱) خودنگری: افراد باید بتوانند عملکرد خودشان را زیر نظر بگیرند.

۲) فرایند داوری: افراد باید بتوانند عملکرد خودشان را ارزیابی نیز بکنند. فرایند داوری به افراد کمک می‌کند از طریق فرایند میانجی‌گری شناختی، رفتارشان را تنظیم کنند که این امر به واسطه ارزیابی اعمال شخص و مقایسه با اهداف خویش یا معیار ارجاع محقق می‌شود.

۳) واکنش به خود: اگر افراد باور داشته باشند که موفقیت آنها به علت تلاش خودشان است به موفقیت‌های خودشان افتخار می‌کنند و برای رسیدن به اهدافشان تلاش بیشتری به خرج می‌دهند (فیست و فیست، ۲۰۱۳؛ ترجمه سیدمحمدی، ۲۰۱۵: ۳۷۸). آنچه که در این رویکرد به‌عنوان محور انگیزش مطرح می‌شود، فرایند پویای بازنگری و داوری کنش‌ها و تناسب آن با اهداف تعیین شده است که به‌خودی خود انگیزه فرد را تقویت می‌کند. بندورا معتقد است افراد برای خودگردانی از راهبردهای واکنشی و پیش‌تازانه استفاده می‌کنند، یعنی آنها به‌صورت واکنشی سعی می‌کنند اختلاف بین دستاوردها و هدفشان را کاهش دهند؛ اما بعد از این که به این اختلاف‌ها خاتمه دادند، به‌صورت پیش‌تازانه هدف‌های تازه‌تر و عالی‌تر را برای خودشان تعیین می‌کنند (فیست و فیست، ۲۰۱۵: ۳۸۱).

در بیانات مقام معظم رهبری آنچه که انگیزه‌ساز تلقی می‌شود، مقایسه پیشرفت‌های انقلاب اسلامی با آرمان‌ها و شعارهای آن است و لازمه حرکت پویا در مسیر تحقق آرمان، ترسیم مداوم افق‌های ابدی آرمان‌های انقلاب اسلامی است. به این ترتیب بیانیه گام دوم همچون آرمان انقلاب اسلامی، همواره امری معنی‌دار است و پروژه‌ای پایان‌پذیر نیست. این امر نه به ناکارآمدی و ضعف‌های نخبگان و مجریان انقلاب اسلامی، بلکه به وجه انگیزشی آن ارجاع دارد. به بیان دیگر گاه این گلابه مطرح می‌شود که چه زمانی قرار است جمهوری اسلامی به اهداف انقلاب برسد یا کی «برهه حساس کنونی» و تلاش در جهت تغییر تمام می‌شود و ما وارد مرحله ثبات می‌شویم؟ پاسخ این است که آرمان انقلاب اسلامی نه نقطه‌ای در زمان، بلکه افقی همیشه پویا را نشانه گرفته است که مانند ذات دین، سکون در آن بی‌معنا است. یکی از دلایل پیوند این ایده با ایده مهدویت همین امر است. از این‌رو واژه «پرانگیزه» یکی از اوصاف پربسامد در بیانیه است.

عزتمندی

آنچه که محوریت سنجش، تشخیص و درمان را در روانشناسی و گرایش‌های وابسته تشکیل می‌دهد، خود^۱ یا نفس است و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مربوط به خود، عزت‌نفس یا حرمت نفس^۲ است که بازتاب ارزیابی یا برآورد یک فرد از ارزش‌های خود می‌باشد و جهت‌گیری‌های وی را در طول زندگی مشخص می‌سازد. ناتانیل براندن^۳ یکی از معروف‌ترین روانشناسانی است که در زمینه عزت‌نفس پژوهش کرده است. وی بر این باور است که عزت‌نفس شامل اعتماد به توانایی‌های خود برای اندیشیدن و مبارزه با چالش‌های اساسی زندگی، احساس ارزشمند بودن، لذت بردن از نتیجه تلاش‌ها و حق برخورداری از نیازها و خواسته‌های

1. self

2. Self-esteem

3. Nathaniel Branden

خود است (براندن، ۲۰۱۰: ۸۴). همچنین عزت نفس به عنوان بُعد عاطفی و ارزشیابگر خودپنداره در نظر گرفته شده است و آن را معادل مفاهیمی همچون خود ارزیابی و خود ارزشمندی می‌دانند (بشلیده، یوسفی، حقیقی و بهروزی، ۲۰۱۲). ابراهام مزلو^۱ نیز در قالب یک نیاز به مقوله عزت نفس می‌پردازد و آن را در هرم خود به ترتیب مقابل قرار می‌دهد: نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای ایمنی، نیازهای تعلق پذیری و عشق، نیاز به عزت نفس و نیاز به خودشکوفایی. مزلو احساس ایمنی درونی و اعتماد نسبت به خود را از پیامدهای عزت نفس می‌داند و معتقد است عزت نفس از شروط لازم برای نیل به خودمختاری است (شولتز، ۲۰۱۴: ۳۹۷). آلپورت نگاهی رشدی به مقوله عزت نفس دارد و احساس رضایتمندی و ارزشمندی فرد را منوط به رشد عزت نفس در کودکی می‌داند (پروین، ۲۰۱۳: ۳۷۷).

افراد خودشکופا و دارای عزت نفس بالا رابطه خوب و گرمی با اجتماع دارند، در مقابل فرهنگ‌های ناسالم مقاومت نشان می‌دهند، با بی‌عدالتی و نابسامانی مخالفاند، احساس هم‌دردی و عطوفت عمیق با سایر انسان‌ها دارند (نژادعمران و کمالوند، ۲۰۱۶).

از موارد مورد تأکید در گفتمان انقلاب و بیانات رهبران، عزت و اهمیت آن در پیشرفت و تمدن‌سازی است. مقام معظم رهبری مدیریت‌های جهادی و اصل «ما می‌توانیم» را از مهم‌ترین آموزه‌های امام خمینی(ره) و مقدمه پیشرفت و عزت می‌دانند. همچنین عزتمندی مسلمین و باورمندان به انقلاب اسلامی سد محکمی در مقابل جریان استکبار و سلطه‌جویی آن است.

مسئولیت

مسئولیت‌پذیری از ویژگی‌های اصیل انسانی است که رشد و تکامل فرد و جامعه انسانی و همچنین حفاظت از طبیعت در گرو آن است. بدین صورت که از طریق مسئولیت‌پذیری رابطه انسان با خود، هموعان و طبیعت متعادل می‌گردد. مسئولیت‌پذیری یک مهارت اجتماعی است که نقش آن در زندگی شخصی و اجتماعی از جمله مباحث مورد توجه دانشمندان و به‌خصوص روانشناسان بوده است (کردلو، کویان‌فر و بهرامی، ۲۰۱۶). مسئولیت‌پذیری یکی از مفاهیم بنیادی در روانشناسی است و هر نظریه‌ای متناسب با نوع نگاهی که به ماهیت انسان دارد، سطحی از اهمیت را برای این مفهوم قائل می‌شود. به‌عنوان مثال نظریه واقعیت‌درمانی، مسئولیت‌پذیری را برابر با سلامت روانی و مسئولیت‌گریزی را برابر با بیماری روانی در نظر می‌گیرد و ارضای مسئولانه و واقع‌گرایانه نیازها را ملاک سلامت روان افراد فرض می‌گیرد (کوری، ۲۰۰۸: ۴۷۴). وجود گرایان، مسئولیت را یکی از ابعاد وجودی انسان‌ها و لازمه اصالت و نیز نشانه برخورد صادقانه با آزادی می‌دانند (کوری، ۲۰۰۸: ۲۰۳؛ پروچسکا و نورکراس، ۲۰۰۶: ۱۴۲). الیس در دیدگاه منطقی - هیجانی خود یکی از اهداف درمان را ایجاد مسئولیت در فرد می‌داند و معتقد است برای اینکه فرد مسئولیت‌پذیر شود،

1. Maslow, A
2. Corey
3. Prochaska & Norcross

باید بر روی شناخت او کار کرد. در گشتالت درمانی مسئولیت‌پذیری اتکا به توانایی خویش جهت انتخاب کردن است (آخوره، سهامی، رفاهی، شمشیری، ۲۰۱۳).

مسئولیت‌پذیری، در دو حوزه مربوط به گذشته و مسئولیت مربوط به آینده مورد توجه قرار می‌گیرد. مسئولیت مربوط به گذشته ناظر به کارهایی است که فرد در گذشته انجام داده یا از انجام آنها سرپیچی کرده است و مسئولیت نسبت به آینده ناظر به وظایفی است که شخص در آینده باید انجام دهد. لذا مسئولیت دارای دو مرحله: خواست (مسئولیت نسبت به آینده) و بازخواست (مسئولیت به گذشته) است. مسئولیت نسبت به مرحله خواست و بازخواست، دارای سه شرط است: ۱. قدرت و توانایی، ۲. علم و آگاهی، ۳. اختیار و اراده آزاد (داداشی، صفارحیدری و شریف‌زاده، ۲۰۱۸).

همچنین هفت مؤلفه مسئولیت‌پذیری به ترتیب عبارت‌اند از: خود‌مدیریتی، نظم‌پذیری، قانون‌مندی، امانت‌داری، وظیفه‌شناسی، سازمان‌یافتگی و پیشرفت‌گرایی که از این میان خود‌مدیریتی عبارت است از مسئول بودن و خویش‌داری برای دستیابی به اهداف و پافشاری در جبران شکست‌ها و ناکامی‌ها. خود‌مدیریتی نیز کنترل و هدایت واکنش‌های هیجانی و احساسات در برابر افراد و در موقعیت‌های مختلف است که از این طریق، قادر به واکنش مثبت و مؤثر خواهد بود (رحیمی، ۲۰۱۵).

بیانیه گام دوم در هر دو بخش خواست و بازخواست به مسئولیت انقلابی می‌پردازد. از سویی با مرور پیشرفت‌ها و کاستی‌ها دعوت به قبول مسئولیت در مقابل گذشته می‌کند و از سوی دیگر با طرح مسئله خودسازی و تمدن‌سازی، همه‌به‌خصوص نسل جوان را دعوت به قبول مسئولیت می‌کند: «مدبران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند... و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند».

قرآن مسئولیت را ملاک انسانیت انسان می‌داند و در این رابطه، انسان را در میان موجودات دیگر لایق پذیرش امانت الهی معرفی می‌کند (احزاب، ۷۲). از بررسی دیدگاه‌های مختلف، درباره امانت الهی، مشخص شد که حقیقت امانت الهی همان حس مسئولیت‌پذیری است. این حس در موجودات دیگر وجود ندارد و فقط انسان به علت امکانات وجودی که در اختیار دارد، مسئولیت‌پذیر است (رستمیان، ۲۰۱۴: ۴۷).

استقلال

به‌طور کلی توانایی فرد در تنظیم رفتار خود و برخورداری از کنترل درونی استقلال نامیده می‌شود که می‌تواند ابعاد مختلفی را شامل شود (رایان و لینچ، ۱۹۹۸: ۳۴۳). استقلال یکی از وجوه انسانی است که با مشخصه‌هایی از قبیل آزادی در تصمیم‌گیری و عمل به فعالیت‌های مورد نظر توصیف می‌شود (کوال و

فورتیر^۱، ۱۹۹۹: ۳۵۹) و با اصطلاحاتی از قبیل خودمختاری یا خود تعیینی^۲ در روانشناسی مورد بحث واقع شده است. وارد^۳ (۱۹۹۸) خود تعیینی را نوعی نگرش می‌داند که باعث هدایت افراد به سوی تعیین هدف برای خود و توانایی گرفتن ابتکار عمل برای دستیابی به این اهداف می‌باشد. به بیان دیگر خود تعیینی شامل مجموعه‌ای از تنظیم اهداف و طرح‌ریزی برای دستیابی به این اهداف است. استقلال را می‌توان در سطوح فردی یا اجتماعی مورد بحث قرارداد که دایره این اجتماع، می‌تواند یک ملت را نیز دربر بگیرد. استقلال در قاموس انقلاب اسلامی ترجمان و تعیین حقیقتی است که اسلام در عدم انقیاد مسلمانان و جامعه اسلامی، بر آن تأکید دارد. استقلال، آرمان انقلاب اسلامی بود که در شعارهای مردم انقلابی در کنار آزادی و تأسیس حکومت اسلامی همواره مورد تأکید قرار می‌گرفت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در طراحی نظام سیاسی، تدوین قانون اساسی، سبک رهبری و چگونگی دفاع از مرزهای جغرافیایی رفتارهای نوینی حاکی از استقلال در مدیریت کلان جامعه از خود به ثبت رساند که این استقلال را می‌توان در ساحت فکر و اندیشه و ساحت کنش و رفتار و در شعاع ملی و جهانی مشاهده کرد (نوروزی، ۲۰۱۸: ۷۲). در اندیشه امام خامنه‌ای همچون امام خمینی(ره)، استقلال ملی جایگاه برجسته‌ای دارد؛ چنان‌که ایشان باورمندی و اعتقاد به استقلال را یک هدف و آرمان برای امر تربیت افراد جامعه می‌دانند و تربیت افرادی معتقد به استقلال فکری، استقلال سیاسی، استقلال فرهنگی، استقلال اقتصادی و به معنای واقعی کلمه اعتقاد به استقلال کشور را یک عنصر مهم در بُعد تربیت برمی‌شمرد (پورمحب حسینی، ۲۰۱۹: ۴۱). استقلال در بیانیه گام دوم نیز از مباحث کلیدی مورد اشاره رهبری است و تبیین رابطه آن با مقوله آزادی و نقش حکومت در تحقق آنها از نکات حائز اهمیت در این بیانیه است. در بخشی از بیانیه آمده است: «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه‌ی الهی به انسان‌هایند و هیچ‌کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دواند.»

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مؤلفه‌های عاطفی و روان‌شناختی مطرح‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی انجام شد و تلاش شد تا پیوند بین عاطفه و سیاست در بیانات مقام معظم رهبری مورد کنکاش قرار گیرد. نتایج حاصله در قالب الگوی کرامت با هفت مؤلفه خودباوری، امیدواری و خوش‌بینی نسبت به آینده، انگیزه‌مندی، استقلال، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، مسئولیت، عزتمندی مورد شناسایی قرار گرفت و سپس تلاش شد تا از منظر علم سیاست و روانشناسی مورد تبیین قرار گیرد. با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی،

1. Kowal & Fortier
2. Self-determination
3. Ward

آنچه که محور دست‌یابی به کرامت را تشکیل می‌دهد، نگرش مبتنی بر خوش‌بینی و امیدواری در خصوص گذشته و آینده انقلاب اسلامی و کنش مسئولانه با حفظ پایبندی به اصول انقلاب است. کرامت اجمالاً به معنای دوری از امور پست و فرومایگی است. با توجه به احادیث، کرامت در انسان باتقوا، آسیب‌ناپذیری در مقابل حوادث ناگوار، پاکی از عیوب و کوچک شمردن دنیا همراه است. کرامت هم‌چنین از (اسما) اوصاف خداوند است. کرامت انسان مفهومی ژرف و قدیمی در تفکر انسانی و اسلامی دارد. کرامت امتیازی است که به انسان، به واسطه انسان بودنش، از همان بدو تولد و بدون توجه به دین، فرهنگ، زبان، نژاد، ملیت، مقام خویشاوندی و قومیت و ... اختصاص می‌یابد. کرامت انسانی، نه تنها به منزله یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال است، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود. پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای، در گرو رعایت آن است. در صورت بی‌توجهی به این اصل و عدم التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری مفهوم خود را از دست خواهد داد. در این صورت شاهد جهانی پر از ظلم، بی‌عدالتی، بی‌مهری، خشونت، جنگ، تجاوز، تبعیض خواهیم بود و آرمان «تشکیل امت واحد جهانی» «و» استقرار نظام جمهوری اسلامی» به خطر خواهد افتاد (فروغی‌نیا، ملک و حسینی، ۲۰۱۹).

در نهایت مهم‌ترین نکته آن که در دعای افتتاح سخن از دولت کریمه‌ای است که «تغز بها الاسلام و اهله و تذلل بها النفاق و اهله». دولت کریمه یا دولت صاحب الزمان، افق و الگو و معیار حاکمیتی است که نه تنها دنیای انسان‌ها بلکه حقیقت الهی ایشان را تأمین می‌کند و انقلاب اسلامی در جهت و با امید به زمینه‌سازی برای آن رخ داد. با توجه به اهمیت مؤلفه‌های مطرح شده در بیانیه گام دوم در رشد فردی و اجتماعی، شایسته است پژوهش‌های آتی به‌طور عمیق‌تر درون مایه‌های کرامت در حاکمیت را مورد بررسی قرار داده و در راستای تحقق آرمان‌های مطرح شده، گفتمان‌سازی کنند.

References

- Abdullah, Bizhan. (2006), *The role of self-efficacy in employee empowerment*. Tadbir Monthly, No. 168. (In Persian)
- Ahmadi Akhourmeh, Mohammad; Sahami, Sousan; Refahi, Jaleh; Shamschiri, Babal; (2013), "Construction and Validation of Responsibility Multidimensional Questionnaire Based on Islamic Texts", *Journal of Psychological Models and Methods*, 4(13), 99-111. (In Persian)
- Alizadeh, Farzaneh & Sharafi, MohammadReza (2014), "Emotion management from the perspective of Nahj al-Balaghah". *Book and Tradition*, 2 (4), 7-28. (In Persian)
- Bandura, A. (1977), "Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change". *Psychological Review*, 84(2), 191-215
- Bandura, A. (1982), "Self-efficacy mechanism in human agency". *American Psychologist*, 37(2), 122-147.

- Bandura, A. (1989), "Regulation of cognitive processes through perceived self-efficacy". *Developmental Psychology*, 25(5), 729-735.
- Beheshti, Saeed; Khari Arani, Majid; Aliakbari Arani, Zahra (2011), "Meaning and Components of Hope in Islamic Texts and Positivist Psychology", *Journal of Daneshvar Behavior*, 17(45), 157. (In Persian)
- Beshlideh, Kiumars; Yousefi, Naser; Haghghi, Jamal & Behrouzi, Naser (2013), "An Investigation of Psycho-Metric Properties of Rosenberg Self- Esteem Scale in Students of Shahid Chamran University in Ahwaz", *Journal of Educational Psychology Studies*, 9(15), 41-66. (In Persian)
- Brandon, N (2002), *The power of self-confidence*. Translated by Bahareh Dadras (2010). Tehran: Golestan Publications. (In Persian)
- Cory, G (2008), *Theories of counseling and psychotherapy*, translated by Yahya Seyed Mohammadi; Arasbaran Publishing, Second Edition.
- Dadashi Kalaei, Fatemeh; Saffar Heidari, Hojjat; Sharif Zadeh, Hakima Sadat (2018), "Principles and methods of education accountability in Islamic teachings" in matters of *Islamic Education Journal*, 26 (41), 155-180. (In Persian)
- Du H, Bernardo ABI, Yeung SS (2015), "Locus-of-hope and life satisfaction: The mediating roles of personal self-esteem and relational self-esteem". *Pers Individ Dif*, 83: 228-33.
- Duane P. Schultz; Sydney Ellen Schultz - Schultz, Duane and Schultz, Sydney Allen (2014), *Personality theories*. 10th edition. Translated by Yahya Seyed Mohammadi, Editing Publications.
- Feist, J., Feist, Gregory. J., and Roberts, Tommy Ann. (2013), *Personality theories*. Translated by Yahya Seyed Mohammadi (1394). Tehran: Ravan Publications.
- Gage, Nathaniel Lees; Berlinger, David C (1992), *Educational Psychology*. Translated by Khoyinejad et al., (1995), Page Publishing, Hakim Ferdowsi Publishing Institute. Mashhad First Edition.
- Ghaedi, Mohammad Reza; Golshani, AliReza (2016), "Content Analysis Method: from Quantity-Oriented to Quality-Oriented", *Journal of Psychological Models and Methods*, 7(23), 57-82. (In Persian)
- Graneheim, UH; Lundman, B (2004), "Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness". *Nurse Educ Today*; 24(2): 105-12.
- Hassani, Ramazan Ali., Ahmadi, MohammadReza & Mir Darikvandi, Rahim (2012), "An Inquiry into the Relationship between Islamic Optimism, Seligman's Learned Optimism and Mental Security", *Ravanshenasi Va Din*, 4(4), 75. (In Persian).
- Huang, C. (2016), "Achievement goals and self-efficacy: A meta-analysis". *Educational Research Review*, 19, 119-137.
- Iman Mohammad Taghi & Noushadi, Mahmood Reza (2012), "Qualitative Content Analysis", 3(2), 15. (In Persian)
- Ismaili, Mohammad Mahdi; Abbasi Firoozjah, Meysam (2016), "The rationality of the Islamic Revolution from the perspective of Ayatollah Khamenei". *Bi-Quarterly Journal of Islamic Revolution and Holy Defense Studies*, New Volume, 2 (2), 53-70. (In Persian)
- Jalali, Hossein (2002), "An Introduction to the Discussion of "Insight", "Tendency", "Action", and Their Interactions, *Knowledge Monthly*, 10 (11), 45. (In Persian)

- Kar, Alan (2006), *Positive Psychology*, Sharifi Translated by, Hassan Pasha; Najafi Zand, Jafar; Sanai, Baqir Tehran: Sokhan Publications.
- Khamenei, Seyed Ali (2018), Statement of the second step of the Islamic Revolution addressed to the Iranian nation. Retrieved from the link: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- Khodayarifard, Mohammad (2005), "Application of positivity in psychotherapy with emphasis on Islamic perspective", *Psychology and Educational Sciences New Era*. 1 (5). (In Persian)
- Kolivand, PirHossein; Dadfar, T; Dadfar, M and Kazemi, H. (2014), *Efficacy*. Tehran. Mirmeh Publications. (In Persian)
- Kordloo, ManiZeh; Kavianfar, Hossein; Bahrami, Masoumeh (2016), "Construction and Validation of a Scale responsibility of adults with an emphasis on Glasser's Choice Theory". *Psychometrics*, 5 (17), 7-23. (In Persian)
- Kowal. J., & Fortier, M. S. (1999), Motivational determinants of flow: Contributions from self-determination theory. *Journal of social psychology*. 139, 355-368.
- Lotfikashani, Farah; Vaziri, Shahram; Mohammadi, Shokouh Sadat (2017), "The Contribution of Hope and Expectancy of Treatment on Client's Improvement Feeling", *Developmental Psychology*, 14(53), 53-61. (In Persian)
- Mohammad Ali Nejad Omran, R & Kamalvand, Peyman. (2016), "The concept of adaptive self-esteem in the Quran and humanistic psychology", *Quarterly of Counseling Culture and Psychotherapy*, 7(27), 1-32. (In Persian)
- Momeni Rad, Akbar; Aliabadi, Khadijeh; Fardanesh, Hashem; Mozayani, Naser (2014), "Qualitative content analysis in research tradition: nature", stages and validity of the results, *Educational Measurement*, 4(14), 187. (In Persian)
- Nejati, Vahid; Kamari, Saman & Shahidi, Shahriar (2017), "Positive cognition: The Relationship between positive and negative self-reference traits and positivity", *Journal of Research in Psychological Health*, 11(2), 1-18. (In Persian)
- Nikzaban, Rizan; Rashid, Khosro (2019), "The effect of group Hope training on time attitude", *Positive Psychology Research*, 4(4), 59-68. (In Persian)
- Noori, Najibollah & Janbozorgi, Masoud (2014), "The Relationship between Optimism in the View of Islam, Anxious Thoughts and Meta-cognitive Anxious Thoughts (Meta-anxiety)", *Ravanshenasi Va Din*, 6(4), 63-79. (In Persian)
- Nowroozi, Mohammad Javad (2019), "I.R. and Independence-Seeking Based in the Ideal Sky and Civilized Horizon", *Journal of Islamic Revolution Studies*, 15(55), 57-74. (In Persian)
- Nussbaum, Martha C. (2013), *Political Emotions: why love matters for justice?* Harvard University Press.
- Parcham, Azam & Muḥaqqiqiyān, Zahra (2011), "The Role of Monotheistic World View in Creating Hope", *Mishkat*, 30 (111), 93. (In Persian)
- Pervin, Lawrence A., John, Oliver P. (2001), *Personality psychology*. Translated by Mohammad Jafar Javadi, Parvin Kadivar (2013), Fourth Edition, Tehran: Ayizh.
- Pourmoheb Hosseini, Seyed Hamed (2019), "The only option in the cradle of the Islamic Revolution: Independence or dependence? Focusing on the views of the Supreme Leader of the Islamic Revolution". *Journal of June 15*, 3 (16), 58-39. (In Persian)

- Prochaska, J.O., Norcross, J.C. (1999), *SYSTEMS OF PSYCHOTHERAPY: A Transtheoretical Analysis*. Translated by Yahya Seyed Mohammadi (2006). Tehran: Roshd Publications.
- Rahimi, Hamid (2016), "The Analysis of Relationship between Life Skills and Responsibility in Students at University of Kashan", *Iranian Journal of Culture in the Islamic University*, 5(3), 307-326. (In Persian).
- Ramazani, Kh. (2000), *Educational Psychology*. Yasuj: Fatemieh printing. First Edition, pp. 119 and 120. (In Persian)
- Rostamian, MohammadAli (2014), "Responsibility and conscientiousness from the perspective of the Qur'an and the narrations of the Ahl al-Bayt (PBUH)", *Journal of the Wisdom of the Ahl al-Bayt*, 1 (2), 31-50. (In Persian).
- Ryan, R. M. and Lynch, J. H (1989), "Emotional autonomy versus detachment: revisiting the vicissitudes of adolescence and young adulthood", *child development*, 61, 341-356.
- Santrock, J (2012), *Educational Psychology*, translated by Morteza Omidian, Yazd, Yazd University, 2006, first edition, p.580.
- Scharf, R. S (2000), *Theories of psychotherapy and counseling*. (Translated by Mehrdad Firoozbakht, (2002), Tehran: Rasa. Second edition.
- Seligman, E., Steen, T.A., Park, N., & Peterson, C. (2005), Positive psychology progress. (Electronic version). *Journal of American Psychologist*, 5(6), 410 - 421.
- Seligman, M (2014). *The optimistic child*, translated by Forouzandeh Davarpanah, Tehran, Roshd Publications.
- Sharifi, Kabir & Saeidi, HamidReza (2015), "Prediction of psychological well-being based on the orientation of life and optimism", *Rooyesh-e-Ravanshenasi*, 4(1), 41. (In Persian)
- Walzer, Michael (2006), *Politics and Passion: Toward a More Egalitarian Liberalism*. Yale University Press.
- Ward, M. J. (1988), *The many facets of self-determination*. Transition